# روایت اسحاق بن عمار و نهی از عمل به ظن

خُب روایت بعدی؛ این صحیحه محمد بن مسلم بود که مفادش نهی از عمل به ظن و رأی بود.

> **و موثّقة إسحاق بن عمّار، عن أبي عبد الله عليه السّلام، أنّه قال: في كتاب عليّ عليه السّلام: «صم لرؤيته و أفطر لرؤيته، و إيّاك و الشكّ و الظنّ، فإن خفي عليكم فأتمّوا الشهر الأوّل ثلاثين».**
>
> **و رواية القاساني، قال: كتبت إليه- و أنا بالمدينة- عن اليوم الذي يشكّ في من رمضان، هل يصام أم لا؟ فكتب عليه السّلام: «اليقين لا يدخل فيه الشكّ، صم للرؤية و أفطر للرؤية». و من المعلوم أنّ الرؤية قبل الزوال لا يوجب العلم بكون الهلال لليلة الساقية؛ إذ ربّما رئي الهلال قبل الزوال مع مقارنة خروج الشعاع للغروب أو تأخّره عنه، و غاية الأمر حصول الظنّ منه بكونه لليّلة الماضية، و قد نهي عن التعويل عليه في الرواية.**
>
> **الرابع: الأخبار الكثيرة الدالّة على أنّ الصوم و الإفطار إنّما يكونان للرؤية؛ كظاهر قولهم عليهم السّلام في الرواية المستفيضة: «صم للرؤية، و أفطر للرؤية». و في بعضها:«إذا رأيت الهلال فصم، و إذا رأيت الهلال فأفطر».**
>
> **و كرواية الفضيل بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: «ليس على أهل القبلة إلّا الرؤية، ليس على المسلمين إلّا الرؤية»**
>
> **[1]**

**«و موثّقة إسحاق بن عمّار»؛** به موثقه تعبیر می‌کنند. احتمال دارد اینکه مرحوم سید موثقه می‌گویند به‌خاطر خود اسحاق باشد. قبلاً بحث آن را در همین مصباح داشتیم. عرض کردم سید یک پیشرفتی در کار می‌آورند. قبلاً فرمودند: «ما رواه الشيخ رحمه اللّه- في الموثّق- عن إسحاق بن عمّار»[2] که در فوائد الرجالیه جلد اول، صفحه سیصد و پانزده تا سیصد و بیست، سید در چندین صفحه بحث کرده‌اند. آن جا عرض کردم محتمل اینجا از عدول های سید در آینده است. یعنی اول چیزی را فرموده بودند و بعد رایشان «و الوجه» شده بود. صفحه سیصد و بیست می‌فرمایند: «و الوجه عندي». در اینجا هم که الآن می‌فرمایند «موثقة اسحاق بن عمار»، خود اسحاق سبب موثق شدن روایت شده باشد. احتمال دیگر هم دارد که به‌خاطر سیف بن عمیره در سند باشد که به او نسبت وقف داده شده. احتمال داده می‌شود که او باشد.

**«عن أبي عبد الله عليه السّلام، أنّه قال: في كتاب عليّ عليه السّلام»؛** اینجا فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیست، کتاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام است. اگر خواستید همه روایات اطراف کتاب علی را ببینید، اعیان الشیعه را ببینید. مرحوم آسید محسن امین اولی که وارد اعیان الشیعه می‌شوند در شرح حال معصومین مطالبی دارند که وقتی به کتاب علی می‌رسند، جمع‌آوری خوبی در آن دارند. لذا روایت جاثلیق که حضرت سلمان آن را نوشتند، گفتند مرحوم نوری تعبیر می‌کنند به «ثانی ما صنف فی الاسلام». اولین آن‌ها کتاب علی علیه‌السلام است و دومی آن کتاب سلمان است.

**«صم لرؤيته و أفطر لرؤيته، و إيّاك و الشكّ و الظنّ»؛** با شک و ظن مسیر را طی نکن. **«فإن خفي عليكم فأتمّوا الشهر الأوّل ثلاثين»؛** اگر شک داری ماه قبلی را سی روز بگیر. مفهوم این روایت روشن است.

**شاگرد**: این احتمال می‌رود که این نهی ها به این خاطر بوده که مردم این را مثل بقیه موضوعات می‌دیدند. یعنی در عمل برایشان صاف بوده که در موضوعات می‌توان به ظن عمل‌کرد ولی در این مورد خاص امام علیه‌السلام نهی می‌کنند.

**استاد**: بله، این هم مطلبی است. اصلاً طوری است که روش نوعی عقلاء در امور موضوعی خود، ملتزم نیستند که حتماً علم داشته باشند. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»[3] برای ساده‌ترین کارهای معمولی و روزمره در موضوعاتشان نیست. آن علم در اقتفاء است؛ پی روی کردنی است که مسیر زندگی و سعادت دنیا و آخرت بر آن مبتنی است، نه اینکه در این کاری که انجام می‌دهد حتما باید به‌خاطر «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» علم باشد.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۸

[2] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۵

[3] الاسراء ۳۶

---

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 13:55:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 13:59:34 توسط ... .